



نقش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان در قبال ایران*



علی‌رضا ملاقدیمی** - دکتر مهدی ذاکریان*** - دکتر حمید احمدی****

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

طی دو دهه اخیر خصوصاً پس از تحولات بهار عربی (۲۰۱۱) در بطن رقابت‌های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران برای اعمال قدرت در ورای مرزهای خود و کسب موقعیت برتر در منطقه، اهداف ژئوپلیتیک از اهمیت راهبردی برخوردار بوده‌اند. مسأله کلی مقاله آن است که به رغم حمایت جامعه بین‌المللی از عربستان، برخی فرصت‌های ایجاد شده برای ایران جهت گسترش نقش و نفوذ خود، موجب گردید تا ریاض رویکردهای تهاجمی‌تری را برای متوقف کردن تهران و دستیابی سریع‌تر به اهداف منطقه‌ای خود اتخاذ کند که به افزایش ناامنی در خاورمیانه انجامید. در پاسخ به این سوال اصلی که «رقابت‌های ژئوپلیتیکی چه سهمی در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان علیه ایران داشته است؟» نوشتار حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی، نظریه رئالیسم تهاجمی را برای تبیین رفتارهای عربستان در خصوص ایجاد مناطق ژئوپلیتیکی مطلوب خویش و آزمون فرضیه مقاله، بکار گرفته است. هدف مقاله این بوده که نشان دهد حکومت عربستان به منظور تغییر موازنه و نظم منطقه‌ای به سود خود، به شکلی گسترده از روش‌های خشونت‌آمیز و آشوب استفاده کرده است. نتیجه کلی پژوهش آن است که تغییر ساختار ژئوپلیتیک تنش‌زای منطقه برای کنترل بی‌ثباتی‌های خاورمیانه و سامان‌دهی به رقابت‌های ژئوپلیتیکی ریاض و تهران، ضروری بوده و در این رابطه عربستان ناگزیر از تجدیدنظر در رویکرد و رفتارهای تهاجمی خود می‌باشد.

کلیدواژگان

مناطق ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک آشوب، ژئوپلیتیک ثبات، کُد ژئوپلیتیکی، موازنه قدرت، مهار

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل علی‌رضا ملاقدیمی با راهنمایی دکتر مهدی ذاکریان است.

** دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل: m-zakerian@srbiau.ac.ir

**** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. / ایمیل: hahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

رقابت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در حوزه ژئوپلیتیک است که اغلب با کلماتی چون تلاش برای کسب قدرت، رهبری و برتری، تقابل و منازعه توأم می‌شود. منابع، فرصت‌ها، کنترل سرزمینی، نفوذ و ... موضوعاتی هستند که در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی رقابت‌های ژئوپلیتیکی را دامن می‌زنند. مقولاتی چون موازنه قدرت، موقعیت راهبردی، مسابقه تسلیحاتی، نظم منطقه‌ای و هم‌مونی از مفاهیم مشترک ژئوپلیتیک، سیاست خارجی و نظریه‌های روابط بین‌الملل هستند. تشدید رقابت میان کشورها موجب بروز منازعه ژئوپلیتیکی میان آن‌ها و شکل‌گیری رفتارهای تهاجمی‌شان در عرصه سیاست خارجی می‌شود که می‌تواند تا سطح رقابت‌های راهبردی و تهدید منافع حیاتی نیز کشیده شود. افزایش قدرت کشورها، سقوط دولت‌ها، تحول در توزیع قدرت در نظام بین‌المللی، وقوع جنگ، تغییرات سرزمینی، شکل‌گیری اختلافات و ائتلاف‌های جدید؛ به تغییر ساختارهای ژئوپلیتیک منجر می‌شود که این امر رقابت‌ها را تشدید یا تعدیل کرده و یا شکل و میزان پایداری آن‌ها را تغییر می‌دهد.

برخی مناطق جغرافیایی، به علت برخورداری از منابع غنی و گسترده، خطوط مواصلاتی، موقعیت‌های راهبردی و در عین حال وجود تنش‌های قومی، مذهبی و ایدئولوژی‌های افراطی زمینه بیشتری برای وقوع آشوب و درگیری نسبت به مناطق دیگر داشته و بستر ساز رقابت شدید کشورها و دخالت و اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ با منافع متضاد هستند (درایسدل و بلیک، ۱۳۹۰: ۳)؛ (Drysdale and Blake, 2011: 3). از این مناطق، بعنوان کمربند شکننده^۱ یا حوزه‌های مملو از بی‌ثباتی سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی یاد شده است. خاورمیانه یکی از این مناطق است (Cohen, 1973: 253). از سال ۲۰۰۱ به بعد، با تحول در مفاهیم و ابزارهای قدرت و نیز تغییر نقش بازیگران دولتی و غیردولتی منطقه، ساختار نوین ژئوپلیتیک خاورمیانه به تدریج شکل گرفته که در آن بی‌ثباتی‌ها و رقابت‌ها تشدید و تلاش کشورهای چون عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه افزایش یافته است.

ساختار ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه‌عربی، راهبردهای ژئوپلیتیکی عربستان و ایران و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در افغانستان و عراق، موجب گسترش جنگ‌های فرقه‌ای و نیابتی گردید. با وقوع تحولات بهار عربی، عربستان مبادرت به مداخله مستقیم نظامی در کشورهای آشوب‌زده منطقه مانند بحرین و یمن نمود. این امر نشان داد که معادلات ژئوپلیتیکی منطقه به زیان ریاض رقم خورده و نسل جدید سیاستمداران این کشور با کنار گذاشتن احتیاط و محافظه‌کاری و نگران از تغییر اوضاع، رویکردهای تهاجمی بی‌سابقه‌ای را در پیش گرفته‌اند. بر همین اساس، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی که «رقابت‌های ژئوپلیتیکی چه سهمی در تهاجمی‌شدن سیاست خارجی عربستان علیه ایران داشته است؟» این فرضیه را مورد بررسی قرار داده که «مخالفت عربستان سعودی با بسط نفوذ ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه‌عربی، منجر به تشدید واکنش‌های

^۱ Shatter Belt

دیپلماتیک، نظامی و امنیتی این کشور جهت سد نفوذ ایران در منطقه شده است.» روش بکار گرفته شده در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است بگونه‌ای که در بخش‌های مختلف مقاله، تبعات سیاست‌ها و راهبردهایی که عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن در مقاطع زمانی گوناگون جهت تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع خود و مهار و منزوی نمودن جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته‌اند، تشریح گردیده است. هدف پژوهش، تأکید بر ضرورت توجه به نتایج مخرب رقابت‌های افسارگسیخته ژئوپلیتیکی و لزوم اصلاح الگوهای رفتاری دو کشور به منظور جلوگیری از تشدید و بازتولید این رقابت‌ها در اشکال مختلف می‌باشد.

۱- پیشینه

صلواتیان، حسین در کتاب رقابت ایران و عربستان در خاورمیانه از نظر تا عمل (۱۳۹۴) تضادهای ایران و عربستان در منطقه را در چارچوب موازنه قدرت و نظم منطقه‌ای و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه ارزیابی کرده است. به باور او، این امر خود را در قالب جنگ نیابتی دو گفتمان اسلام انقلابی- مقاومت و اسلام سلفی نشان داده است. مصلی‌نژاد، عباس در مقاله تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه (۱۳۹۳) بر اساس نظریه پیوند هویت و قُطبیّت باری بوزان و انتقال بحران از یک حوزه جغرافیایی به سایر حوزه‌ها، معتقد است رادیکالیزه شدن خاورمیانه خصوصاً پس از سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶، ناشی از تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان و نقش‌آفرینی گروه‌های هویتی و نیابتی مورد حمایت آن‌ها در قالب جنگ‌های کم شدت بوده که تبعات امنیتی قابل توجهی نیز داشته است.

علی‌پور، عباس و دیگران در مقاله ضرورت‌های بسط ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه عربی با تأکید بر تحولات اخیر (۱۳۸۹) مدعی هستند که ایران پس از اشغال عراق و وقوع بهار عربی، نیازمند گسترش نقش و نفوذ خود در خاورمیانه عربی بوده است. وجود سیستم پرفشار ژئوپلیتیکی ناشی از حضور قدرت‌های بین‌المللی در خلیج فارس، تهران را ناچار کرد تا برای رفع تهدیدات امنیتی علیه خود، در حوزه‌های مدیرانه شرقی و دریای سرخ حضور داشته باشد و از این طریق، وزن ژئوپلیتیکی ریاض را تقلیل دهد. این تاکتیک البته به تشدید تنش‌های میان عربستان و ایران، انجامیده است. دهشیری و حسینی در مقاله ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان (۱۳۹۵) بر این نظر می‌باشند که خاورمیانه از سال ۲۰۰۳ به بعد، عرصه رقابت برای سلطه بر مناطق راهبردی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بوده است. به همین دلیل، عربستان با هدف بازدارندگی و ایجاد موازنه قدرت به سود خویش در پی مهار ایران برآمد و برنامه‌هایی چون تقویت گروه‌های مسلح همسو در منطقه، همراه کردن دیگر کشورها با خود در یمن، سوریه و بحرین و کاهش قیمت نفت و ... را در دستور کار قرار داد. ایقانی، هلیا در مقاله مدیریت رقابت‌های ایران و سعودی (۲۰۱۶) بر این باور است که این رقابت‌ها پس از حملات یازده سپتامبر و بهار عربی، ماهیت ژئوپلیتیکی بیشتری پیدا کرد. زیرا سه کشور عراق، مصر و سوریه به شدت تضعیف شدند و ایران و عربستان سعودی بر سر پرکردن خلاءهای ناشی از این امر، با بکارگیری گروه‌های تندرو مذهبی، یک جنگ غیرمستقیم و نیابتی علیه یکدیگر به راه انداختند. از آنجا که این رقابت‌ها، بر

امنیت جهانی تاثیرگذار است، برای مدیریت تقابلات ژئوپلیتیک ریاض و تهران، قدرت‌های بزرگ غربی باید وارد عمل شوند.

نقطه مشترک همه این آثار، تأیید تشدید رقابت‌های میان ایران و عربستان و تحلیل دلایل متفاوت ژئوپلیتیکی این رقابت‌ها، می‌باشد. در واقع آن‌ها عمدتاً به آسیب‌شناسی نوع رفتارهای استیلاجویانه دو کشور برای تعریف معادله جدید قدرت، نتایج بی‌ثبات‌کننده آن و تجویزهایی برای اصلاح این وضعیت، می‌پردازند. در مقام مقایسه، نوآوری تحقیق حاضر این است که با تبیین مراحل شکل‌گیری «تهاجمی‌شدن» سیاست خارجی عربستان، نشان داده که این امر انتخابی هدفمند، برای غلبه بر ناکارآمدی سیاست‌های منطقه‌ای قبلی این کشور در رقابت با ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی آن در خاورمیانه‌عربی بوده است. بعبارتی «تهاجمی‌شدن» نه یک آسیب و یا امر اجتناب‌ناپذیر بلکه فرآیندی مبتنی بر افزایش قدرت اقتصادی، نظامی و هژمونی‌طلبی عربستان است. انتخاب این رویکرد هماهنگ با مفروض اصلی نظریه رئالیسم تهاجمی می‌باشد که می‌توان با بکارگیری زور بیشتر، رقبای منطقه‌ای را مهار و در عین حال برتری و هژمونی خود را محقق نمود. موفقیت این رویکرد، منوط به امکان و توان اجرای آن است که در بخش‌های مختلف این پژوهش بررسی خواهد شد.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در این بخش، ابتدا برخی اصطلاحات ژئوپلیتیکی تعریف و سپس مبانی نظری رفتارهای ژئوپلیتیکی عربستان در قبال ایران با تمرکز بر رویکرد تهاجمی این کشور، ارائه می‌شود.

۱-۲- چارچوب مفهومی

مناطق ژئوپلیتیکی^۱: منطقه یک واژه جغرافیایی است که پس از پیدا کردن هویت و کارویژه سیاسی، تبدیل به مفهوم ژئوپلیتیکی می‌شود. مناطق ژئوپلیتیکی، عرصه رقابت، همکاری و تحرکات قدرت‌های منطقه‌ای و نیز حوزه نفوذ و ایفای نقش قدرت‌های جهانی می‌باشند که در هر دو سطح، تحت تاثیر ساختار سیاسی نظام بین‌المللی هستند. بسته به نوع رفتار بازیگران منطقه‌ای و جهانی، برخی از این مناطق باثبات و برخی دیگر ناامن هستند.

کُد ژئوپلیتیکی^۲: بر اساس تعریف جان گادیس^۳، کُد ژئوپلیتیک هر کشور، مجموعه‌ای از تصورات و فرضیات سیاسی، جغرافیایی و راهبردی است که مبنای تعریف آن کشور از منافع ملی، امنیت ملی، تهدیدات خارجی و نیز نوع پاسخ به این تهدیدات در عرصه سیاست خارجی می‌باشد. به این ترتیب، سه سطح از بینش سیاست‌خارجی بر مبنای کدهای ژئوپلیتیک محلی (همسایگی)، منطقه‌ای (فراهمسایگی) و جهانی قابل تعریف است و کشورها بسته به توانایی و ظرفیت‌های خود، یکی از این کدها را برای اعمال قدرت و گسترش نفوذ پیش می‌برند (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۸-).

^۱. Geopolitical Regions

^۲. Geopolitical Codes

^۳. John L. Gaddis

(۱۱۵)؛ (Dehshiri and Hosseini, 2016: 115-118).

ژئوپلیتیک آشوب؛ الگوی رفتاری مبتنی بر گسترش حوزه نفوذ، تصرف مناطق راهبردی، تغییر موازنه قدرت، بازدارندگی و مهار رقبای منطقه‌ای است که از طریق افزایش رقابت‌های نظامی، ایجاد بحران‌های امنیتی و نیز سیاست‌خارجی تهاجمی، پیگیری می‌شود. چنین رویکردی به افزایش آشوب، تنش و بی‌ثباتی مژمن در یک حوزه ژئوپلیتیکی می‌انجامد.

ژئوپلیتیک ثبات؛ الگوی رفتاری مبتنی بر شناسایی حوزه‌های نفوذ، منافع و ملاحظات متقابل، کنترل رقابت‌ها، مدیریت بحران و انجام کنش‌های موازنه‌بخش است که با در پیش گرفتن سیاست‌خارجی تعاملی، دنبال می‌گردد. چنین رویکردی به افزایش ثبات و همکاری منجر می‌شود.

۲-۲- مبانی نظری

در این قسمت وجوه بین‌المللی و ژئوپلیتیکی نظریه رئالیسم تهاجمی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱- رئالیسم تهاجمی

از مفروضات اولیه نظریه رئالیسم تهاجمی، رقابت پایان‌ناپذیر میان کشورها بر سر کسب موقعیت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک می‌باشد. در این راستا، دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، با افزایش قدرت اقتصادی و نظامی و ظرفیت‌های تهاجمی خود، از هیچ تلاشی برای تبدیل شدن به قدرت هژمونیک فروگذار نمی‌کنند. واقع‌گرایان تهاجمی، معتقدند که در وهله نخست، این قدرت‌های بزرگ هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تعاملات و نظم ژئوپلیتیک بین‌المللی دارند و در وهله بعد، قدرت‌های منطقه‌ای می‌باشند که متناسب با توانشان در حوزه پیرامونی خود، برای ایفای این نقش، گام بر می‌دارند. مطلوب‌ترین و ممکن‌ترین هدف راهبردی برای تمام کشورها، دستیابی به هژمونی منطقه‌ای است.

از منظر رئالیسم تهاجمی، بقاء کشورها جزء با در اختیار داشتن منابع بیشتر قدرت به ویژه نظامی، امکان‌پذیر نیست. ژئوپلیتیک و جغرافیا از مهم‌ترین منابع افزایش قدرت کشورها است و به میزانی که دسترسی کشورها به موقعیت‌های ژئوپلیتیک و توانایی آن‌ها برای ایجاد مناطق ژئوپلیتیکی افزون‌تر باشد، قدرت‌شان برای تغییر موازنه بین‌المللی و منطقه‌ای گسترش می‌یابد. ظهور و ایفای نقش تک‌بازیگر هژمون و قدرت برتر که بتواند در سطح جهانی و یا منطقه‌ای صلح و ثبات را تأمین نماید، موجب برقراری نظم ژئوپلیتیک تک‌قطبی می‌شود، حال آنکه در نتیجه رقابت قدرت‌های هم‌سطح منطقه‌ای، نظم دوقطبی یا چندقطبی ایجاد می‌گردد که بدنبال خود، بی‌ثباتی، ساختار نامتعطف و تنش‌زا و چرخه‌ای از رفتارهای تقابلی و تهاجمی را دامن می‌زند.

به باور جان مرشایمر^۱، کشورها برای به حداکثر رساندن قدرت خود، می‌توانند از ابزارهایی چون جنگ، بازدارندگی، موازنه قدرت و مشارکت در ائتلاف‌های نظامی بهره ببرند. بسته به ساختار

^۱ Geopolitics of Chaos

^۲ Geopolitics of Stability

^۳ John J. Mearsheimer

توزیع قدرت در نظام بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی (ژئوپلیتیک)، همچنین شرایط سیاسی محیطی و توان مادی آن‌ها، کشورها سطوح متفاوتی از روش‌های تهاجمی که بیشترین منافع و کمترین هزینه را داشته باشند، انتخاب می‌کنند. با آنکه مناطق ژئوپلیتیکی، یک متغیر میانجی در تحلیل‌های هژمونیک مرشایمر هستند، اما از محوریت برخوردارند. هدف همه رویکردهای تهاجمی در سیاست خارجی کشورها، تأمین امنیت ملی آن‌ها و ثبات مناطق پیرامونی‌شان می‌باشد (Peter Toft, 2005: 393-383).

نظریه رئالیسم تهاجمی را می‌توان رویکردی بینابین، میان رهیافت‌های مبتنی بر قدرت و ژئوپلیتیک قلمداد کرد. همانگونه که داشتن قدرت نظامی و اقتصادی دسترسی به مناطق مهم جغرافیایی را فراهم می‌کند، در اختیار داشتن مناطق ژئوپلیتیکی و استراتژیکی نیز سطح تأثیرگذاری کشورها بر تحولات و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به مناسبات را تعیین می‌کند. بر این اساس، هم قدرت و هم جغرافیا نقش، نفوذ و جایگاه کشورها را تعریف می‌نمایند. در این رابطه منطق رئالیسم تهاجمی و برخی رهیافت‌هایی ژئوپلیتیکی مانند مکتب ژئوپلیتیک نوین آمریکایی، تا حد زیادی شبیه هم هستند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۶۲-۱۶۱)؛ (Ghasemi, 2005: 161-162).

۲-۲-۲- رهیافت‌های نوین ژئوپلیتیکی و رئالیسم تهاجمی

نظریه‌پردازان مکتب ژئوپلیتیک آمریکایی، همچون ماهان^۱، اسپایکمن^۲، کنان^۳، بولیت^۴، کسینجر^۵، برژینسکی^۶ و کوهن^۷ همواره ضرورت تسلط بر مناطق راهبردی جهان را مورد توصیه قرار داده‌اند. این مکتب سه مرحله ژئوپلیتیک کلاسیک، دولت‌محور دوران (جنگ سرد) و رهیافت نوین ژئوپلیتیکی را پشت سر گذاشته است. این رهیافت، تأثیرات متقابل بسترهای جغرافیایی و عوامل قدرت در حوزه‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای را بررسی می‌کند. بعلاوه همانند رئالیسم تهاجمی، موضوع تلاش کشورها برای تبدیل شدن به قدرت هژمون را در کانون تحلیل‌های خود قرار داده است. استفاده از ظرفیت‌های نظری این رهیافت، امکانات ما در استفاده از جنبه‌های تبیینی رئالیسم تهاجمی برای تحلیل اثرات رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر تهاجمی‌شدن سیاست خارجی کشورها را بیشتر می‌نماید.

از منظر این رهیافت، جهان پیش از فروپاشی نظام دوقطبی، شامل یک حوزه قدرتمند ژئواستراتژیک و دیگر مناطق ژئوپلیتیکی بود. مناطق ژئوپلیتیکی، بخش‌های کوچک‌تر این حوزه ژئواستراتژیک و زیرمجموعه قدرت‌های بزرگ جهانی بودند (Cohen, 1973: 3). پس از فروپاشی نظام دوقطبی و استقرار نظام هژمونیک تک‌قطبی به رهبری آمریکا، ساختارهای ژئوپلیتیکی

¹. Alfred T. Mahan

². Nicholas J. Spykman

³. George F. Kennan

⁴. William C. Bullitt

⁵. Henry A. Kissinger

⁶. Zbigniew Brzezinski

⁷. Saul B. Cohen

بین‌المللی و از جمله ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای، دُچار تغییر شدند. در چنین نظامی، تمام جهان به منزله منطقه راهبردی و حوزه بزرگ امنیتی قدرت هژمون (ایالات متحده) می‌باشد و ساختار سیاسی بین‌المللی به چند منطقه ژئوپلیتیکی با نقش‌های متمایز تقسیم گردیده است (یاری و اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۸۱۶-۸۰۱)؛ (Yari and Esfandiari, 2016: 801-816). لذا قدرت‌هایی مانند چین، روسیه، ژاپن و اتحادیه اروپایی ... مناطق زیادی را تحت نفوذ و کنترل ژئوپلیتیکی خود قرار داده و درصدد افزایش سهم خود از نظام نوین توزیع قدرت برآمدند... (Cohen, 2003: 3).

الگوی «یک قدرت جهانی و بسیاری قدرت‌های دیگر» به خودی خود، رقابت‌ها و تقابلات را تشدید و به تشکیل انواع ائتلاف‌های اقتصادی - امنیتی و درگیری‌های کنترل شده، انجامیده است. در چنین وضعیتی، کشورهای ناراضی و مخالف هژمونی آمریکا مانند چین، روسیه و ایران، فعالانه برای افزایش توان اقتصادی و نظامی خود و تقویت جایگاه و نفوذشان در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تلاش می‌کنند (kagan, 2017).

۲-۲-۱- ابتکارات قدرت هژمون برای کنترل مناطق ژئوپلیتیکی

از نظر مرشایمر، آمریکا همواره در برخی مناطق راهبردی جهان مانند خاورمیانه که رقبا و مخالفان این کشور حضور فعال دارند، مبادرت به ایجاد نا امنی و بحران کرده است. این مناطق از نظر جغرافیایی از این کشور دور بوده و ایجاد آشوب و بحران در آنجا، تبعات امنیتی مستقیمی برای واشنگتن نداشته است (Mearsheimer, 2017). ایالات متحده، برای جلوگیری از دستیابی قدرت‌های دیگر به موقعیت‌های حساس ژئوپلیتیک خاورمیانه، به تشکیل ائتلاف‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی با کشورهای همسوی خود همچون عربستان روی آورد و همزمان تضعیف قدرت و نفوذ کشورهای مخالف خود مانند ایران را در دستور کار قرار داد. نتیجه این وضعیت، تشکیل یک نظام دوقطبی منطقه‌ای در خاورمیانه بود که با توجه به رقابت‌های تهران و ریاض، همچنین منازعات سرزمینی میان اعراب و اسرائیل، به تداوم بی‌ثباتی‌ها، رقابت‌های تسلیحاتی و حضور و نقش بازیگران بین‌المللی مانند آمریکا و روسیه در ژئوپلیتیک خلیج فارس و شامات منجر گردید (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۲)؛ (Sari al-Qalam, 2016: 102-106).

قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا، نقش موثری در سیاست، اقتصاد و امنیت کشورهای حوزه کمریند شکننده خاورمیانه، ایفاء می‌کنند (کوهن، ۱۳۸۷: ۱۱۶)؛ (Cohen, 2008: 116). لذا بخشی از دلایل تشدید هژمونی گرایی منطقه‌ای توسط کشورهای مطرحی مانند ایران و عربستان، ناشی از تحمیل نظام امنیتی و ساختار ژئوپلیتیکی آمریکا بر خاورمیانه می‌باشد که به افزایش رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تلاش آن‌ها برای گسترش نقش و نفوذشان در منطقه انجامیده است (Katzenstein, 2005: 43-44). عربستان به نمایندگی از قدرت هژمون (آمریکا) درصدد تعریف و تحکیم نظم ژئوپلیتیکی منطقه‌ای مطلوب خود است و ایران و متحدان منطقه‌ای آن، بعنوان مخالف آمریکا و عربستان، به مقابله با این امر می‌پردازند (یاری و اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۸۲۲-۸۲۱)؛ (Yari and Esfandiari, 2016: 821-822).

در این میان، سیاست‌های متفاوت باراک اوباما رئیس‌جمهور وقت آمریکا (۲۰۰۹-۲۰۱۷) برای

توقف اعزام نیروی نظامی به مناطق تحت منازعه و درعوض استفاده از اهرم تحریم‌های اقتصادی، فناوری، حملات سایبری و موازنه از راه دور، تثبیت نظم هژمونیک مشترک عربستان و آمریکا در منطقه را به چالش کشید. اوباما با تغییر اولویت‌های آمریکا از خاورمیانه به آسیا و خاور دور، در مقابل خواسته‌های بی‌حد و حصر اعراب و اسرائیل برای تضعیف ایران، مقاومت کرد. این رویکرد متفاوت، انتقادات زیادی برانگیخت (Goldberg, 2016).

۲-۲-۲- نقش قدرت‌های منطقه‌ای در ایجاد مناطق ژئوپلیتیکی

علاوه بر قدرت‌های بین‌المللی، «قدرت‌هایی که دارای گد منطقه‌ای بوده و از موقعیت راهبردی و یا توانمندی‌های خاص برخوردار هستند، نیز می‌توانند اقدام به ایجاد مناطق ژئوپلیتیکی و استقرار نظم مطلوب خود در این حوزه‌ها نمایند» (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۸۹)؛ (Ghasemi, 2011: 189). از نگاه واقع‌گرایی تهاجمی اینگونه کشورها، برنامه گسترش نفوذ و تسلط بر مناطق استراتژیک، استفاده از روش‌های سیزه‌جویانه جهت تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای و به حداکثر رساندن قدرت را در دستور کار قرار می‌دهند (Brzezinski and Mearsheimer, 2005: 50). بر اساس این نظریه، دولت‌های مذکور بجای حفظ وضع موجود، به دنبال تجدیدنظرطلبی بوده و از هرفرصتی برای استیلاجویی خود و ممانعت از تصاحب چنین موقعیتی توسط رقیب، استفاده می‌کنند. لذا قدرتی مانند عربستان سعودی درصدد است تا ساختار نظام منطقه‌ای را از یک چند قطبی رقابتی و تنش‌زا به یک تک‌قطبی با محوریت خود تغییر داده و کشورهای دیگر را نیز برای تضعیف موقعیت و نفوذ ایران، همراه نماید. بنابراین تا زمانی که یکی از دو قدرت عربستان و ایران، به موقعیت هژمونی دست پیدا نکند تنش و بی‌ثباتی در منطقه باقی مانده و امکان عادی شدن روابط و شکوفایی واقعی در مناسبات آن‌ها وجود نخواهد داشت (Alsulaib, 2020: 1-4).

۳- تاریخچه شکل‌گیری سیاست خارجی تهاجمی عربستان

عربستان سعودی از زمان تاسیس در سال ۱۹۳۲ تا سال ۲۰۰۱، غالباً بعنوان یک قدرت حافظ وضع موجود از اصولی چون احتیاط، انعطاف و تعادل در سیاست خارجی خود پیروی نمود. تا این زمان، این کشور هرگونه تلاش برای تبدیل شدن به یک هژمونی منطقه‌ای را رد کرده و ضمن دفاع از یک ساختار چند قطبی منطقه‌ای، برای مقابله با کشورهای تجدیدنظرطلبی مانند مصر، اسرائیل، ایران، عراق از روش‌هایی چون اجماع، ائتلاف‌های موازنه‌ساز، بازدارندگی و پرهیز از درگیری مستقیم استفاده می‌کرد. درواقع عربستان با انتخاب سیاست خارجی تدافعی، بقاء نظام سیاسی خود، امنیت انتقال انرژی و جلوگیری از تبدیل شدن رقباء بعنوان قدرت هژمون را تضمین می‌نمود (Rich, 2019).

بازنگری در این رویه و انتخاب اهداف ژئوپلیتیک با رویکردهای هژمونیک، تعریف سلبی از امنیت و نهایتاً تلاش برای ایجاد منطقه ژئوپلیتیکی توسط عربستان سعودی، مستلزم برخورداری این

¹. Offshore Balancing

². Status-quo Power

کشور از حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز توانمندی‌های اقتصادی و نظامی بوده است. همسویی طولانی با غرب علیه جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۹۷۹، عربستان را به یک متحد مطمئن برای آمریکا و اروپا و یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل کرد. با این وجود، تضعیف نقش عراق در منطقه پس از جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، تضعیف موقعیت عربستان بعد از حملات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱، سقوط صدام حسین در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۲۰۰۳، مطرح شدن هلال شیعی در سال ۲۰۰۴، حوادث بهار عربی در سال ۲۰۱۱، توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای ۵+۱ در سال ۲۰۱۵ و روی کار آمدن ملک سلمان در همین سال، تحولاتی بودند که گشایش‌های قابل توجهی در نفوذ ایران در منطقه ایجاد کردند.

این کشور با هدف جلوگیری از ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، به استفاده از انواع راهبردهای مهارکننده، موازنه‌ساز، هژمونیک و تقابلی پرداخت. از سال ۲۰۰۳ به بعد، ریاض الگوی رفتاری خود نسبت به تهران را از «همکاری توأم با رقابت» به «رقابت تخصصی» تغییر داد. حمایت لجستیکی عربستان از تکفیری‌ها و گسترش جنگ فرقه‌ای در عراق، سرآغاز هویتی‌شدن فضای رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه بود. با وقوع بهار عربی و تشدید جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه، ریاض بر مبنای راهبرد «مهار و موازنه‌سازی» با کمک به شکل‌گیری دولت اسلامی (داعش)، در پی اعمال تغییرات جدی در معادلات منطقه‌ای علیه ایران، شیعیان عراق، سوریه و لبنان افتاد (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۱۸)؛ (Dehshiri and Hosseini, 2016: 118-136). این کشور همزمان طرح‌هایی چون تقویت «همگرایی درونی و ادغام قابلیت‌های نظامی» شورای همکاری خلیج فارس، «ائتلاف عربی / سنی» در جهان عرب، ترغیب ناتو برای حضور وسیع‌تر در خاورمیانه و اقدامات غیررسمی مشترک با اسرائیل جهت مقابله با ایران را پیگیری کرد تا توازن قدرت در منطقه را به نفع خود تغییر دهد (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴-۱۰)؛ (Haghshenas and Others, 2017: 10-24).

سرریز همه تحولات منطقه‌ای و تغییرات تدریجی در سیاست‌های عربستان، موجب گردید تا این کشور، از سال ۲۰۱۵، آگاهانه برای جلوگیری از تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، در سیاست خارجی خود رویکرد تهاجمی را برگزیند (مهدیان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵)؛ (Mahdian and Others, 2017: 185).

^۱. مرشایمر معتقد است، دستیابی به سلاح هسته‌ای امکانات یک کشور برای حداکثرسازی قدرت خود و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای را چندین برابر می‌کند. عربستان، قائل به تلاش تدریجی ایران برای دستیابی به سلاح (موشک) اتمی است به همین دلیل، با غنی‌سازی هسته‌ای، برنامه‌های موشکی ایران و هرگونه توافقی که این فعالیت‌ها را شناسایی نماید، مخالف است (Cséfalvay, 2019: 32-33).

^۲. بودجه نظامی عربستان در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۷۸ میلیارد دلار بوده که نزدیک به ۱۷ درصد از افزایش آن (معادل ۵/۳ میلیارد دلار) برای تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک با ایران و گسترش عمق نفوذ استراتژیک عربستان در منطقه منظور شده بود (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸)؛ (Haghshenas and Others, 2017: 18). بررسی‌ها نشان می‌دهد «در فاصله ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ واردات تسلیحات نظامی عربستان سعودی، افزایش ۲۲۵ درصدی داشته است» (احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰: ۳۶)؛ (Ahmadian and Kahrizi, 2021: 36).

۴- اقدامات و برنامه‌های تهاجمی عربستان در عرصه سیاست خارجی

گرچه اقدامات سیاست خارجی تدافعی عربستان برای بقا حکومت، حفظ تمامیت ارضی و امنیت شهروندان این کشور، مؤثر بود اما برای نقش‌آفرینی فعال عربستان، بسط نفوذ ریاض در منطقه و جلوگیری از قدرت‌یابی ایران، پس از سال ۲۰۰۳ و خصوصاً بعد از بهار عربی، کارآیی نداشت. تهاجمی‌کردن سیاست خارجی با هدف کارآمد نمودن آن توسط عربستان، به معنای آمادگی این کشور برای استفاده گسترده از زور، نگران نبودن حاکمان ریاض از تغییر وجهه عربستان در سطح بین‌المللی، اطمینان از موفقیت در استفاده از نیروی نظامی و قبول هزینه‌های گسترده این تغییر رویکرد بود. بر این مبنا، مواضع و اقدامات عربستان در قبال ایران، خصمانه و غیرتعاملی و استفاده این کشور از دیپلماسی برای حل و فصل اختلافات فیما بین به شدت کاهش یافت.

سیاست خارجی تهاجمی عربستان در دو دهه نخست قرن ۲۱ ترکیبی از عملیات نظامی و ابتکارات دیپلماتیک بود. بعبارتی ملاحظیات سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیکی و راهبردی در این سیاست، لحاظ شده بود (Anonymous, 2021). در این بخش در راستای آزمون فرضیه مقاله، متغیرهای سیاست خارجی تهاجمی عربستان سعودی در قبال ایران، شامل تشدید اقدامات نظامی، امنیتی و دیپلماتیک بررسی خواهد شد.

۴-۱- گسترش آشوب برای ایجاد منطقه جدید ژئوپلیتیکی

عربستان اقدامات نظامی و امنیتی خود در کشورهای مانند عراق، سوریه و لبنان را از طریق ایجاد جنگ‌های داخلی و نیابتی، درگیری‌های فرقه‌ای و بحران‌های امنیتی پیگیری کرد. هدف از این اقدامات، جلوگیری از یک موازنه و نظم جدید به نفع ایران و متحدان منطقه‌ای او بود. با گسترش آشوب و بکارگیری زور، ریاض تلاش کرد منطقه ژئوپلیتیکی جدیدی با مناسبات امنیتی مطلوب خود شکل دهد که به کاهش تهدیدات علیه این کشور کمک کند (Pollack, 2014: 115).

مشخصاً از سال ۲۰۰۶ به بعد و در دوران زمامداری ملک عبدالله، ریاض با تقویت تلاش‌های خود برای ایفای نقش رهبری در منطقه و پرکردن خلاء قدرت عراق در خلیج فارس، در پی بحران‌سازی امنیتی و بی‌ثباتی منطقه‌ای برآمد. واکنش ایران به این اقدامات، دلیل موجهی به عربستان برای اتخاذ رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی و همراه کردن دولت‌های عرب سنی با خود می‌داد. ریاض به استخدام گسترده گروه‌های تندرو و تکفیری بعنوان کارگزاران آشوب و بازیگران جنگ نیابتی با ایران پرداخت که در استفاده از روش‌های تروریستی سرشته داشتند (Arango and Fahim, 2014: 17).

۴-۲- مقابله با شکل‌گیری هلال شیعی

روی کارآمدن یک نظام سیاسی شیعی و انقلابی در ایران، نقش تشیع را بعنوان یک عنصر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران پررنگ کرد. جمهوری اسلامی ایران، تلاش نمود تا به «ایرانی‌گری رنگ شیعی بخشیده و منافع ملی خود را به مصالح شیعیان منطقه، تعمیم و نوعی سرنوشت مشترک با جنبش‌های شیعی خاورمیانه تعریف کند» (توآل، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۰)؛ (Tual, 1997: 15-10).

تقویت نقش تشیع در سیاست خارجی ایران، دارای اهدافی چون بیرون کشیدن خود از محاصره کشورهای سنی همجوار و گسترش نفوذ در حوزه پیرامونی بوده است. با این وجود نظام‌های سیاسی منطقه، تهران را به تلاش برای به قدرت رساندن شیعیان همسو در یک جغرافیای مشخص در خاورمیانه (هلال شیعی) متهم کردند که این امر زمینه سرکوب فعالان شیعه در درون این کشورها را فراهم کرد. عربستان از طریق تبلیغ وهابیت، سلفی‌گری، ایجاد اختلافات فرقه‌ای و رادیکالیسم سیاسی در خاورمیانه، شکل‌گیری و گسترش ژئوپلیتیک شیعه در منطقه را به چالش کشید.

... دامنه این اقدامات عربستان پس از قدرت گرفتن شیعیان در عراق و افزایش اعتراضات آنان در کشورهای حوزه خلیج فارس در پی بهار عربی، شدت بیشتری پیدا کرد و این کشور با فعال کردن گروه‌های سلفی تندرو، جنگ‌های مذهبی خونینی براه انداخت. (حسینی فرد، ۱۳۹۴؛ (Hosseinifard, 2015). در واقع، حکومت سعودی با شکل‌گیری هرنوع موازنه قدرت و نظم ژئوپلیتیکی جدید برپایه قدرت‌یابی شیعیان در منطقه، مقابله نموده است.

۳-۴- تبدیل بحران‌های امنیتی به بحران‌های ژئوپلیتیکی

در حالی که مسئله اساسی در بحران امنیتی، «موازنه قدرت» است، عربستان با تبدیل این بحران به بحران ژئوپلیتیکی، از طریق یک سیاست خارجی تهاجمی در پی تغییر «شکل‌بندی‌ها و معادلات جغرافیایی و راهبردی» خاورمیانه برآمده تا اقدامات ایران برای گسترش نفوذ خود در منطقه را ناکام و در یک منطقه ژئوپلیتیکی جدید، موازنه‌ای با محوریت ریاض برقرار سازد (مصلی‌نژاد و صمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۷-۲۰۰)؛ (Mossalanejad and Samadi, 2018: 197-200).

در تعریفی که افرادی چون کوهن از سلسله‌مراتب قدرت‌های پنجگانه ژئوپلیتیکی منطقه ارائه کرده‌اند، ... ایران قدرت درجه دویی است که محدوده عملیاتی آن در منطقه خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس می‌باشد. در مقایسه، عربستان سعودی قدرتی درجه سه است که در حوزه ژئوپلیتیکی کوچک‌تری یعنی شبه‌جزیره عربستان، فعالیت می‌کند... (مهدیان، ۱۳۹۲: ۶۹)؛ (Mahdian, 2013: 69). با وجود این، موقعیت جغرافیایی ایران و امکانات مادی آن، بگونه‌ای است که عملاً در چهار حوزه ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا یعنی خاورمیانه عربی (خلیج فارس، شامات و دریای سرخ)، آسیای مرکزی، قفقاز و شبه‌قاره نفوذ دارد و طی بیش از دو دهه اخیر، در نتیجه تحولات منطقه‌ای، این نفوذ در خاورمیانه عربی بیشتر هم شده است. بخش مهمی از تلاش عربستان برای گسترش آشوب، دامن زدن به بی‌ثباتی در مناطق پیرامونی و حوزه‌های ژئوپلیتیکی همجوار ایران از جمله خاورمیانه عربی بوده است.

۴-۴- تحرک بخشیدن به اقدامات دیپلماتیک علیه ایران

همانگونه که در فرضیه مقاله اشاره شد، علاوه بر اقدامات نظامی و امنیتی، تحرکات دیپلماتیک عربستان نیز برای جلوگیری از گسترش نقش و نفوذ ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایران، افزایش یافت. این کشور از سال ۲۰۱۵، به این نتیجه رسید که در کنار پیروی از الگوی ژئوپلیتیک آشوب، ضربات مستقیم اقتصادی و امنیتی نیز به ایران وارد کند. هدف از این تحرکات، جلب حمایت قدرت‌های

بزرگ برای ایجاد نظم جدید با محوریت عربستان در منطقه و تضعیف جمهوری اسلامی ایران بوده است. ... ایجاد هر سامانه جدید ژئوپلیتیکی توسط بازیگران منطقه‌ای، مستلزم هماهنگی آن‌ها با اهداف و منافع قدرت‌های بزرگ و قبول نظارت و مشارکت آنان می‌باشد... (والث، ۱۳۹۰: ۷۴)؛ (Walt, 2011: 74).

عربستان با داشتن انگیزه‌های تقابلی و ضد ایرانی، از جانب قدرت‌های غربی مانند آمریکا و اروپا حمایت شده است. فروش تسلیحات پیشرفته به این کشور توأم با اعمال انواع تحریم‌های نفتی، فنی، مالی، بانکی، تسلیحاتی، اقتصادی، تجاری و سیاسی غرب علیه ایران، با هدف کاهش درآمدهای نفتی، تضعیف قدرت اقتصادی، نظامی و انزوای سیاسی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی صورت گرفته است. عربستان همزمان مبادرت به افزایش حجم تولید نفت و کاهش قیمت آن در اوپک کرده و در ممانعت از رسیدن به یک توافق هسته‌ای میان ایران و طرف‌های مقابل و نیز مخالفت با برداشته شدن تحریم‌ها از روی آن، از هیچ اقدامی فروگذار ننموده است. به این موارد تشکیل ائتلاف‌های سیاسی منطقه‌ای ضد ایرانی را باید افزود. علاوه بر تلاش برای جلب حمایت غرب، طی سال‌های اخیر عربستان بدنبال حمایت چین از خود برای ایفای نقش برتر منطقه‌ای نیز بوده است.

۴-۵- همسویی اقدامات عربستان با اهداف قدرت‌های غربی

فراهم‌سازی بستر تشکیل گروه‌های تکفیری همچون داعش^۱ توسط سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و عدم اقدام عملی این کشور برای مقابله با برپایی خلافت اسلامی و دولت شام و عراق، برای تضعیف شیعیان پس از بهار عربی، بود. بحران آفرینی در منطقه به تأمین منافع کارخانه‌های اسلحه‌سازی آمریکا، بقاء هژمونی او و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک ایران و عربستان می‌انجامید (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۶-۱)؛ (Mossalanejad, 2014: 1-16). اروپا نیز در این زمان، باور داشت که ایران، مترصد روی کار آمدن اسلام‌گرایان مخالف حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس، ضد اسرائیل و حامی جریان مقاومت می‌باشد. لذا نگران تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ایران و طرفدار اقدامات عربستان در منطقه بود (واعظزاده، ۱۳۹۰)؛ (Vaezzadeh, 2011). درواقع، اقدامات آشوب‌ساز عربستان در هماهنگی با اهداف ملی و منطقه‌ای قدرت‌های غربی بود.

۴-۶- یافته‌ها

در مسیر بررسی تأثیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی عربستان بر تهاجمی‌شدن سیاست خارجی این کشور، گزاره‌های تحقیقاتی زیر استخراج گردیده است:

۱. ولسی کلارک فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در ناتو در مصاحبه با سی.ان.ان و جو بایدن معاون وقت رئیس‌جمهور اوپاما طی مصاحبه‌ای در دانشگاه هاروارد (در سال ۲۰۱۴)، ادعا کردند این ترکیه، امارات عربی متحده، قطر و عربستان بودند که با زیاده‌روی مبادرت به تجهیز گروه‌های افراطی ضد سوری و ضد شیعی نمودند. لذا همین مسئله موجب پیدایش گروه‌هایی مانند داعش گردید (https://www.namehnews.com/344402/10/-/). با این وجود، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹، دموکرات‌ها را بانی داعش خواند (https://www.khabaronline.ir/news/1316777).

گزاره اول: در دو دهه اخیر ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه، عمیقاً متأثر از گرایش‌های حداکثرسازی قدرت و هژمونی‌خواهی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران بوده است. این امر، الگوی ژئوپلیتیک آشوب را بر منطقه حاکم کرده که به دلیل شکل‌گیری ائتلاف‌های نظامی و امنیتی و نیز قطب‌بندی‌های سیاسی، خروج از آن به راحتی امکان‌پذیر نیست.

گزاره دوم: نقش قدرت هژمون جهانی (آمریکا) در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه برغم تغییر اولویت‌ها در سیاست خارجی این کشور، حضور قدرت‌های جدید در خاورمیانه و دیگر تحولات بین‌المللی، کماکان تعیین‌کننده است. این امر در گذشته، رقابت‌های ژئوپلیتیکی مخربی بر عربستان و ایران، تحمیل کرده است. احتمالاً در آینده نیز ایالات متحده از طریق ایجاد و مدیریت بحران، مناسبات میان کشورهای منطقه و بویژه ایران و عربستان را کنترل خواهد نمود.

گزاره سوم: مداخلات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ساختار ژئوپلیتیک خاورمیانه، موجب شده تا ریاض و تهران به تنهایی نتوانند در تثبیت نظم مطلوب خود در مناطق ژئوپلیتیکی که برای ایجاد آن تلاش می‌نمایند، کامیاب شوند. این امر در آینده هم صادق خواهد بود.

گزاره چهارم: تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع ایران و نیز عدم واکنش مورد انتظار ریاض از سوی آمریکا، جاه‌طلبی‌های عربستان برای تبدیل شدن به قدرت هژمون خاورمیانه را ناکام و این کشور را به سمت در پیش گرفتن رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی سوق داد. تکرار وضعیت شبیه این موضوع نامحتمل نیست.

گزاره پنجم: چنانچه اولویت کنونی عربستان، ایجاد ثبات و امنیت در منطقه برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای این کشور باشد، ریاض باید از الگوی ژئوپلیتیک آشوب و رویکردهای تهاجمی خود فاصله گرفته و به الگوی ژئوپلیتیک ثبات و رویکردهای تعاملی با ایران روی آورد. بعنوان یک جمع‌بندی می‌توان گفت، ارزیابی موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های تهاجمی‌شدن سیاست خارجی عربستان، نشان می‌دهد این رویکرد، تبدیل به راهبرد دائمی عربستان در سیاست خارجی نگردیده اما بطور کامل نیز کنار گذاشته نشده است. لذا این امکان وجود دارد با روی کار آمدن هیأت حاکمه جدید در آمریکا (بعنوان مثال جمهوری خواهان) عربستان به سمت تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک با ایران و تجدید رویکرد تهاجمی خود، گام بردارد.

نتیجه‌گیری

عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران دو کشور با دایه‌های تأثیرگذاری و نظم‌آفرینی در سطح منطقه‌ای هستند. آن‌ها برای تبدیل شدن به قدرت هژمون منطقه‌ای با یکدیگر رقابت می‌نمایند تا از این طریق معادلات منطقه را به نفع خود، سامان‌دهی کنند. در مسیر این رقابت، بدنبال تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دو دهه اخیر، در نتیجه گسترش نفوذ ایران و تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع او، عربستان اقدام به تغییر رویکرد سیاست خارجی خود از تدافعی از تهاجمی نمود. در پاسخ به این پرسش پژوهش که سهم رقابت‌های ژئوپلیتیکی در تهاجمی‌شدن سیاست خارجی عربستان، چه اندازه بوده است؟ فرضیه این مقاله روشن ساخت که ریاض با انواع راهبردها، ظرفیت‌های عمده نظامی، امنیتی و دیپلماتیک خود را برای جلوگیری از گسترش نفوذ و قدرت‌یابی ایران در منطقه

بکار گرفته است. رویکرد تهاجمی عربستان، هزینه‌های سیاست خارجی ایران را بالا برده و در مواردی مانع تحقق اهداف منطقه‌ای آن شده است اما نتوانسته جمهوری اسلامی ایران را مهار و منزوی نماید و یا نظم و امنیت مطلوب ریاض را در خاورمیانه عربی نهادینه کند.

در مقطع کنونی که موضوعات اقتصادی و توسعه‌ای تبدیل به اولویت حکمرانی در عربستان گردیده است، از سرگیری روابط دیپلماتیک میان دو کشور از شدت مواضع و اقدامات دولت سعودی نسبت به جمهوری اسلامی ایران کاسته است اما حساسیت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان نسبت به سیاست‌ها و تحرکات منطقه‌ای ایران، همچنان باقی است و راهبرد مهار و تضعیف او، کنار گذاشته نشده است. می‌توان گفت در بهترین حالت، مناسبات دو کشور از سطح «صلح سرد» فراتر نرفته و دوره کنونی عمدتاً ناظر بر «تعویق اختلافات» است. به همین دلیل، مسیر عادی‌سازی روابط و گسترش همکاری‌های فیمابین به‌کندی پیش می‌رود. حتی این نگرانی وجود دارد که وقوع هر تحول و رخدادی در یکی از کشورهای منطقه که به نفع سیاست‌های ایران باشد، تبدیل به موضوع اختلافی میان عربستان و تهران شده و واکنش شدید ریاض را به دنبال داشته باشد.

منابع فارسی

۱. احمدیان، ق. کهریزی، ن. (۱۴۰۰). ایران و عربستان؛ بلوغ منازعه و سناریو دوگانه مذاکره - فاجعه. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۴(۶۸)، ۲۵-۴۴.
۲. توآل، فرانسوا. (۱۳۷۶). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابون باصر، پاریس: انتشارات خاوران، چاپ اول.
۳. درایسدل، آ. بلیک، ج. اچ. (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه درّه میرحیدر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
۴. دهشیری، م. حسینی، س.م.ح. (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان. فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱، ۱۴۳-۱۱۱.
۵. حسینی‌فرد، حبیب. (۱۳۹۴). رابطه ایران و عربستان؛ دوستی‌های گذرا، خصومت‌های ماندگار.
۶. تارنمای بی.بی.سی فارسی، ۳ اردیبهشت، در: https://www.bbc.com/persian/iran/2015/04/150423_iran_saudi_relations
۷. حق‌شناس، م. موسوی شقایب، س.م. سجادی‌پور، س.م. شریعتی‌نیا، م. (۱۳۹۶). رقابت‌های ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان: مکانیسم‌ها و راهبردها. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۶(۲۲)، ۱-۳۲.
۸. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۵). نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۱۲(۱)، ۱۰۱-۱۳۹.
۹. صلواتیان، حسین. (۱۳۹۴). رقابت ایران و عربستان در خاورمیانه از نظر تا عمل، همدان: انتشارات برکت کوثر.
۱۰. علی‌پور، ع. بختیارپور، ع. درخور، م. (۱۳۸۹). ضرورت‌های بسط ژئوپلیتیکی ایران در

- خاورمیانه‌عربی با تاکید بر تحولات اخیر. فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۹، ۱۰۸-۸۱.
۱۱. قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴). اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
۱۲. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.
۱۳. کوهن، سائول. (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۱۴. مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۹۳). تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه. فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۳، ۳۶-۷.
۱۵. مصلی‌نژاد، ع. صمدی، ع. (۱۳۹۷). سیاستگذاری راهبردی عربستان در روند گسترش ژئوپلیتیک بحران خاورمیانه. فصلنامه سیاست، ۴۸ (۱)، ۲۰۱-۱۷۹.
۱۶. مهدیان، حسین. (۱۳۹۲). ژئوپلیتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر مخاطب.
۱۷. مهدیان، ح. آقا حسینی، ع. علی حسینی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل سیاست خارجی ستیزه‌جویانه عربستان سعودی مقابل جمهوری اسلامی ایران در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی. فصلنامه راهبرد دفاعی، ۱۵ (۵۷)، ۲۱۱-۱۷۱.
۱۸. واعظ‌زاده، حسام‌الدین. (۱۳۹۰). اتحادیه اروپا در خلیج فارس به دنبال چیست؟. تارنمای دیپلماسی ایرانی، ۱۷ اردیبهشت، در: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/12520>
۱۹. والت، استفان. (۱۳۹۰). عدم توازن جهانی: خویش‌داری و سیاست خارجی آمریکا، مجموعه مقالات تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)، تدوین جی‌جان ایکنبری، ترجمه عظیم فضلی‌پور، تهران: موسسه ابرار معاصر.
۲۰. یاری، ا. اسفندیاری، م. (۱۳۹۷). مکتب ژئوپلیتیک آمریکایی و شبکه ژئوپلیتیک منطقه‌ای ساختار نوین نظام بین‌الملل. فصلنامه سیاست، ۴۸ (۳)، ۸۳۳-۸۰۹.
۲۱. بدون نام. (۱۳۹۸). ترامپ: اوپاما داعش را ساخت. تارنمای خبرگزاری تحلیلی خبرآنلاین، ۱۱ آبان، در: <https://www.khabaronline.ir/news/1316777>
۲۲. بدون نام. (۱۳۹۵). راه‌حل ریشه‌ای بحران داعش. تارنمای تحلیلی نامه‌نیوز، ۲۴ تیرماه، در: <https://www.namehnews.com/10/344402>

English References

1. Alsulaib, F. (2020). Offensive Realism and Saudi Foreign Policy towards Iran. *Konrad Adenauer Stiftung*, September, at: <https://www.kas.de/documents/286298/8668222/Policy+Report+No+14+Offensive+Realism+and+Saudi+Foreign+Policy+towards+Iran.pdf/2880aa57-6a2d-8514-dde1-b674d2929485?version=1.0&t=1602019933485,1-4>.
2. Anonymous, (2021). Offensive Realism; The Core Tenets, Applicability to Foreign Policy, and Utility to Geopolitics and International Security. *Geopolitics press*, July 12, at: <https://geopoliticspress.com/offensive-defensive-realism-international-relations-geostrategy-power/>

3. Arango T., Fahim, K. (2014). Iraq Again Uses Sunni Tribesmen in Militant War. *NYTW*, January 19, at: <https://www.nytimes.com/2014/01/20/world/middleeast/iraq-again-uses-sunni-tribesmen-in-militant-war.html>
4. Brzezinski, Z., Mearsheimer, J. (2005). Clash of the Titans. *Foreign Policy*. Vol. 146, 46-50.
5. Cohen, S.B. (1973). *Geography and Political in a World Divided*. New York: Oxford University Press. 2nd edition.
6. Cohen, S.B. (2003). Geopolitics Realities and United States Foreign Policy. *Political Geography*, 22(1), 1-33.
7. Cséfalvay, D. (2020). *The Saudi-Iranian Quest for Regional Hegemony, The Case of the Yemeni War*. Bratislava International School of Liberal Arts, February 15, at: https://www.bisla.sk/wp-content/uploads/2022/07/Csefalvay_final_thesis.pdf, 1-44.
8. Goldberg, J. (2016). The Obama Doctrine. *AMW*, April 13. at: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>
9. Ighani, H. (2016). Managing the Saudi-Iran Rivalry. *Center for Preventive Action, Council on Foreign Relation*, 1-6.
10. Kagan, R. (2017). The twilight of the liberal world order. *BIW*, January 24, at: <https://www.brookings.edu/research/the-twilight-of-the-liberal-world-order/>
11. Katzenstein, P. (2005). *A World of Regions: Asia and Europe in the American - Imperium*. Ithaca, New York: Cornell university press.
12. Mabon, S. (2015). *Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East*. London: I.B.TAURIS
13. Mearsheimer, J. (2017). Bacevich and Mearsheimer Middle East on U.S. Policy in the Middle East. *Lobe Log*, January 18, at: <https://lobelog.com/bacevich-and-mearsheimer-on-u-s-policy-in-the-middle-east/>
14. Pollack, K. M. (2006). Grand Strategy: Why American Should Promote a New Liberal Order in the Middle East. *BIW*, July 22, at: <https://www.brookings.edu/articles/grand-strategy-why-america-should-promote-a-new-liberal-order-in-the-middle-east/>
15. Rich, B. (2019). From Defense to Offense: Realist Shifts in Saudi Foreign Policy. *Middle East Policy Council*, October 15, at: <https://mepc.org/journal/defense-offense-realist-shifts-saudi-foreign-policy>
16. Toft, P. (2005). John J. Mearsheimer: an offensive realist between geopolitics and power.
17. *Journal of International Relations and Development*, November 30, at: <https://link.springer.com/article/10.1057/palgrave.jird.1800065>

Translated References to English

1. Ahmadian, G., Kahrizi, N. (2021). Iran and Saudi Arabia; Maturity of Conflict and Duality of Negotiation – Catastrophe. *International Studies Journal*, 4(68), 25-44. **(In Persian)**
2. Alipour, A., Bakhtiarpour, A., Darkhor, M. (2010). Necessities of Iran's geopolitical expansion in the Arab Middle East with an emphasis on recent developments. *Afaq -e-amneyat (Security) Quarterly*, No. 9, 81-108. **(In Persian)**
3. Alsulaib, F. (2020). Offensive Realism and Saudi Foreign Policy towards Iran. *Konrad Adenauer Stiftung*, September, at: <https://www.kas.de/documents/286298/8668222/Policy+Report+No+14+Offensive+Realism+and+Saudi+Foreign+Policy+towards+Iran.pdf/2880aa57-6a2d-8514-dde1-b674d2929485?version=1.0&t=1602019933485,1-4>.
4. Anonymous, (2016). The fundamental solution of ISIS crisis. *Namehnews analytical website*, July 14, at: <https://www.namehnews.com/10/344402> . **(In Persian)**
5. Anonymous, (2019). Trump: Obama created ISIS. *Khabaronline analytical news agency website*, November 2, at: <https://www.khabaronline.ir/news/1316777>. **(In Persian)**
6. Anonymous, (2021). Offensive Realism; The Core Tenets, Applicability to Foreign Policy, and Utility to Geopolitics and International Security. *Geopolitics press*, July 12, at: <https://geopoliticspress.com/offensive-defensive-realism-international-relations-geostrategy-power/>
7. Arango, T., Fahim, K. (2014). Iraq Again Uses Sunni Tribesmen in Militant War. *NYTW*, January 19, at: <https://www.nytimes.com/2014/01/20/world/middleeast/iraq-again-uses-sunni-tribesmen-in-militant-war.html>
8. Brzezinski, Z., Mearsheimer, J. (2005). Clash of the Titans. *Foreign Policy*. Vol. 146, 46-50.
9. Cohen, S.B. (1973). *Geography and Political in a World Divided*. New York: Oxford University Press, 2nd Edition.
10. Cohen, S.B. (2003). Geopolitics Realities and United States Foreign Policy. *Political Geography*, Vol. 22(1), 1-33.
11. Cohen, S.B. (2008). *Geopolitics of the world system*. Translated by Abbas Kardan, Tehran: Abrar Moaaser Institute. **(In Persian)**
12. Cséfalvay, D. (2020). *The Saudi-Iranian Quest for Regional Hegemony, The Case of the Yemeni War*. Bratislava International School of Liberal Arts, February 15, at: https://www.bisla.sk/wp-content/uploads/2022/07/Csefalvay_final_thesis.pdf,1-44.

13. Dehshiri, M.R., Hosseini, S.M.H. (2015). Geopolitics of the region and relations between Iran and Saudi Arabia. *Foreign Relations Quarterly*, No.1, 111-143. **(In Persian)**
14. Drysdale, A., Blake, G.H. (2011). *The Middle East and North Africa: a Political geography*. Translated by Vali Mirhaidar, Tehran: Institute of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs, 4th Edition. **(In Persian)**
15. Ghasemi, F. (2005). *Principles of international relations*. Tehran: Mizan Publishing, First Edition. **(In Persian)**
16. Ghasemi, F. (2011). *Theories of international relations and regional studies*. Tehran: Mizan Publishing **(In Persian)**
17. Goldberg, J. (2016). The Obama Doctrine. *AMW*, April 13. at: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/04/the-obama-doctrine/471525/>
18. Haghsheenas, M.R., Mousavi shafae, S.M., Sajjadpour, S.M.K., Shariatinia, M. (2017). Geopolitical competitions and relations between Iran and Saudi Arabia: mechanisms and strategies. *Islamic World Political Studies Quarterly*, 6 (22), 1-32. **(In Persian)**
19. Hosseinfard, H. (2015). The relationship between Iran and Saudi Arabia; Transient friendships, permanent enmities. *BBC Farsi website*, May 3, at: https://www.bbc.com/persian/iran/2015/04/150423_iran_saudi_relations. **(In Persian)**
20. Ighani, H. (2016). Managing the Saudi-Iran Rivalry. *Center for Preventive Action, Council on Foreign Relation*, 1-6.
- Kagan, R. (2017). The twilight of the liberal world order. *BIW*, January 24, at: [https://www.brookings.edu/research/the-](https://www.brookings.edu/research/the-twilight-of-the-liberal-world-order/)
22. [twilight-of-the-liberal-world-order/](https://www.brookings.edu/research/the-twilight-of-the-liberal-world-order/)
23. Katzenstein, P. (2005). *A World of Regions: Asia and Europe in the American-Imperium*. Ithaca, New York: Cornell university press.
24. Mabon, S. (2015). *Saudi Arabia and Iran: Soft Power Rivalry in the Middle East*. London: I.B.TAURIS.
25. Mahdian, H. (2013). *Geopolitics and national security of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Nashr-e- Mokhtab Publications. **(In Persian)**
26. Mahdian, H., Agha Hosseini, A., Ali Hosseini, A. (2017). Analysis of the aggressive foreign policy of Saudi Arabia against the Islamic Republic of Iran in the framework of the theory of offensive realism. *Defense Strategy Quarterly*, 15(57), 171-211. **(In Persian)**
27. Mearsheimer, J. (2017). Bacevich and Mearsheimer Middle East on U.S. Policy in the

- Middle East. *Lobe Log*, January 18, at: <https://lobelog.com/bacevich-and-mearsheimer-on-u-s-policy-in-the-middle-east/>
28. Mossalanejad, A. (2014). The extension of geopolitical competitions to identity conflicts in the Middle East. *World Politics Quarterly*, No.3, 7-36. **(In Persian)**
 29. Mossalanejad, A., Samadi, A. (2018). Saudi Arabia's strategic policy in the geopolitical expansion process of the Middle East crisis. *Politics Quarterly Journal of Faculty of Law and Political Science*, 48 (1), 179-201. **(In Persian)**
 30. Pollack, K.M. (2006). Grand Strategy: Why American should Promote a New Liberal Order in the Middle East. *BIW*, July 22, at: <https://www.brookings.edu/articles/grand-strategy-why-america-should-promote-a-new-liberal-order-in-the-middle-east/>
 31. Rich, B. (2019). From Defense to Offense: Realist Shifts in Saudi Foreign Policy. *Middle East Policy Council*, October 15, at: <https://mepc.org/journal/defense-offense-realist-shifts-saudi-foreign-policy>
 32. Salvatian, H. (2015). *Rivalry between Iran and Arabia in the Middle East from opinion to practice*. Hamadan: Barkat-e- Kausar Publications. **(In Persian)**
 33. Sari al-Qalam, M. (2016). The international system and the new geopolitics of the Middle East. *Journal (Research Letter) of Political Science*, 12(1), 101-139. **(In Persian)**
 34. Toft, P. (2005). John J. Mearsheimer: an offensive realist between geopolitics and power. *Journal of International Relations and Development*, November 30, at: <https://link.springer.com/article/10.1057/palgrave.jird.1800065>
 35. Tual, F. (1997). *Shia's Geopolitics*. Translated by Katayoun Baser, Paris: Khavaran Publishing House, First Edition. **(In Persian)**
 36. Vaezzadeh, H. (2011). What is the European Union looking for in the Persian Gulf? *Iranian diplomacy website*, May 7, at: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/12520/>. **(In Persian)**
 37. Walt, S. (2011). *Global Imbalance: Restraint and American Foreign Policy*. Collection of articles (the Only Superpower: American Hegemony in the 21st Century), edited by G. John Eikenberry, Translated by Azim Fazlipour, Tehran: Abrar Moaaser Institute. **(In Persian)**
 38. Yari, E., Esfandiari, M. (2018). American geopolitical school and regional geopolitical network of the new structure of the international system. *Politics Quarterly*, 48(3), 809-833. **(In Persian)**



پرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی